



رضا پاکدامن

کارشناس حقوق انرژی

عملکرد صنعت نفت در کشور متأثر مستقیم در اقتصاد ملی و فعالیت‌های سایر بخش‌ها داشته، بنابراین ضرورت دارد توجه ویژه به آن، به جای تصمیمات مقطعی، سلیقه‌ای، انفعالی و احساسی، با برنامه راهبردی با آن برخورد شود. با مصوبه ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی و آغاز اقدام عملی برای ملی شدن صنعت نفت از اوایل سال ۱۳۳۰ و تأسیس شرکت ملی نفت ایران، گام اول و اساسی برای تحقق هدف «صنعت ملی نفت» توسط دولت و مجلس برداشته شد. اما طی ۶۵ سال گذشته عواملی مانند کودتا، جنگ تحمیلی، تحریم‌ها و ناآرامی، مانع از تحقق کامل بسیاری از این هدف شده، به طوری که این صنعت شدیداً نیاز به معماری مجدد دارد. خوشبختانه در آذر ۱۳۸۵ با تصویب سند چشم‌انداز مسیر حرکتی کلیه بخش‌ها از جمله صنعت نفت تا سال ۱۴۰۴ ترسیم شد.

اما ابلاغ سند چشم‌انداز مقارن شد با قدرت گرفتن یک جریان فکری خاص که اساساً به شاخص‌های مصرح در سند چشم‌انداز خصوصاً «برنامه ریزی»، «تدبیر جمعی»، «تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل» اعتقاد داشته و حتی روش‌های متضاد، مبنای کار قرار گرفت. انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی، قائم به شخص شدن تصمیمات بخشی و تخصصی و تضعیف جایگاه قانونی وزیران و تشدید تنش در روابط بین الملل در دولت سابق، عملاً اجرای برنامه‌های سند چشم‌انداز را مختل کرد. خوشبختانه با درایت دولت فعلی، شاخص‌های مقرر در سند چشم‌انداز به عنوان پیش‌نیاز و بستر لازم برای اجرای برنامه‌ها در چارچوب سند چشم‌انداز، احیا شد. گام اول در اصلاح مسیر حرکت برای تحقق صنعت ملی نفت، باور به کمبودها و نقص‌هاست.

با توجه به سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه (ابلاغی رهبر معظم انقلاب در ۹ تیر ۱۳۹۴) مبنی بر «دانش‌بنیان کردن صنایع بالادستی و پایین دستی نفت و گاز»، لازم است رفتار تخصصی کلیه اجزای فنی، اقتصادی، قراردادی و مدیریت منابع انسانی این صنعت نظام مند و منطبق با استانداردهای بین‌المللی باشد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی، یکی از سیاست‌های راهبردی نظام بوده، که می‌بایست با انتخاب شرکای تجاری استراتژیک برای توسعه صنعت نفت و ایجاد زیرساخت‌های قوی اهنتمام‌وزریند.

انتخاب شرکای راهبردی یکی از الزاماتی است که در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به آن تصریح شده، که بر این اساس انتخاب صحیح شرکت‌هایی که می‌توانند کمبودها و نقص‌های صنعت نفت را مرتفع سازند، بسیار تعیین‌کننده است. متأسفانه مشاهده می‌شود که برخی از شرکت‌هایی طرف قرارداد شرکت‌های فعال در صنعت نفت ایران اعم از بالادستی و پایین دستی از اعتبار حرفه‌ای و توانمندی لازم برخوردار نیستند، که این موضوع یکی از ریسک‌های جدی صنعت نفت کشور است. با توجه به این اصل که منابع نفت و گاز کشور متعلق به کل ملت و نسل‌های آتی است، می‌بایست در اداره و بهره‌برداری از این منابع «رعایت غیبه» به عنوان یک قاعده مسلم در قوه و قانونی اعمال شود. این موضوع مختص شرکت‌های خارجی نبوده بلکه حتی در مورد شرکت‌های ایرانی و دولتی نیز صادق است.

اقدام مهم دیگر برای تحقق صنعت ملی نفت، تنظیم قراردادهایی با ساختار قوی است. برای رسیدن به اهداف اصلی از جمله جذب سرمایه و دانش خارجی، ساختار این قراردادهای می‌بایست رقابتی و متناسب با استانداردهای متعارف بین‌المللی و با در نظر گرفتن حقوق متعارف برای سرمایه‌گذار باشد. در بعد نظارت نیز، لازم است مبارزه تخصصی با فساد به‌طور جدی دنبال گردد. رتبه جهانی ۱۳۱ در زمینه فساد در بخش عمومی و دولتی به هیچ وجه زینده نظام اسلامی نبوده و مضافاً اینکه فساد مانند موربانه مانع استحکام صنعت ملی نفت خواهد شد.

در خاتمه، با توجه به ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه عظیم کشور در بخش نفت و گاز، با معماری صحیح و استفاده از مصالح مرغوب «مدیریت صحیح در کل فرایند تنظیم و اجرای طرح‌ها» این صنعت می‌تواند هسته اقتصاد مقاومتی و اقتصاد دانش‌بنیان و محرک بخش‌های دیگر کشور باشد.

رایه این شرکت سپردیم. آنها نیز علاقه‌مند به این کار بودند. البته ما نظارت مستقیم بر مذاکرات و تفاهات‌نامه‌های منعقد شده این شرکت داریم و تمام تصمیمات آنها با تأیید هیأت مدیره شرکت ملی نفت انجام خواهد شد.

**کدام مذاکرات زودتر منتهی به عقد قرارداد خواهد شد؟**

قطعاً طرح‌های اولویت‌دار صنعت نفت در اول فهرست قرار دارند. کار در میادین مشترک و میادینی که تعداد سرمایه‌گذاران کمتری برای حضور در آنها اعلام علاقه‌مندی کرده‌اند حتی ممکن است بدون مناقصه هم واگذار شود.

**ارزیابی شما از عملکرد اوپک و غیر اوپک در زمینه توافق اخیر آنها در مورد کاهش حجم تولید نفت خام چیست؟**

تمام کشورها تا این لحظه به توافق خود پایبند بوده‌اند و در نیمه سال ۲۰۱۷ یک ارزیابی دقیق از عملکرد آنها انجام خواهد شد.

**آیا عربستان و روسیه که بیشترین سهم را در کاهش تولید دارند، اکنون سیاسی‌کاری در بازار جهانی نفت خام را کنار گذاشته‌اند و منافع مشترک را دنبال می‌کنند؟**

خیر. آنها باز هم منافع خودشان را دنبال می‌کنند اما منافع آنها همسو با منافع ما نیز هست.

**ایران اجازه دارد که در نیمه اول سال ۲۰۱۷ حدود ۹۰ هزار بشکه در روز تولید نفت خامش را افزایش دهد. آیا از این مجوز استفاده خواهید کرد؟**

حتماً. الان نیز در حال اجرای این برنامه هستیم و متوسط ۹۰ هزار بشکه در روز افزایش تولید اعمال خواهد شد. فکری نمی‌کنید سال ۹۶ برای صنعت نفت ایران چگونه سالی خواهد بود؟

سال ۹۶ بیشترین تمرکز ما روی تکمیل طرح توسعه میدان گازی پارس جنوبی است. تا فاز اول طرح توسعه این میدان را هر چه سریعتر تکمیل کنیم و با اجرای فاز ۱۱ وارد مرحله فشارافزایی شویم. اولویت بعدی ما میدان‌های مشترک غرب کارون است. در مناطق مرکزی، نفتخیز جنوب و فلات قاره نیز می‌خواهیم میادینی که با سرمایه‌گذاری کمتری به تولید حداکثری می‌رسند را در اولویت قرار دهیم و سرمایه‌گذاری را بر اساس طرح انجام ندهیم.

کار دیگری که آغاز کرده‌ایم و سال ۹۶ به تعیین تکلیف خواهد شد، بحث NGL هاست. سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را مشخص کرده‌ایم و ظرف ۳ الی ۴ سال طرح‌ها به مرحله‌ای خواهند رسید که گازهای همراه کمتر سوزانده خواهند شد و در عوض تبدیل به NGL می‌شوند. در این زمینه اعتقاد داریم پتروشیمی‌ها از ما علاقه‌مندتر هستند چرا که نیازمند این محصولاتند. بعد از آن می‌خواهیم حتماً وارد کلوپ صادرکنندگان NGL شویم و گاز را به اروپا صادر کنیم. سوآپ نفت خام نیز از برنامه‌هایی است که فعلاً در حال مذاکره برای آن هستیم و امیدواریم که هر چه زودتر به سرانجام برسد. برای آینده نیز برنامه‌های اکتشافی مشخص کرده‌ایم که بعد از واگذاری کار در میادین اولویت‌دار خواهد بود.

**توسعه هر فاز پارس جنوبی یا میادین نفت خام چقدر روی تولید ناخالص داخلی تأثیری می‌گذارد؟**

به تولید رسیدن هر فاز میدان مشترک پارس جنوبی یک درصد تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد و به ازای تولید هر ۱۰۰ هزار بشکه نفت خام ۰.۴ درصد تولید ناخالص داخلی رشد می‌کند. اما این رشد پایدار نیست و تکرار نمی‌شود. لذا ما باید بعد از افزایش تولید نفت و گاز از محل درآمدهای آنها تولید غیر نفتی را افزایش دهیم تا رشد شاخص تولید ناخالص داخلی همیشگی شود.

به هر حال دولت یازدهم تا این لحظه ۱۱ فاز پارس جنوبی را وارد مدار کرده و تولید نفت خام ایران را حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز افزایش داده است.

بپردازیم و مدیریت مصرف را نیز نهادینه کنیم. و روبرو به این بخش اگر صحیح انجام شود اشتغالزایی و ارزش افزوده در پی دارد.

**اولویت کنونی کشور افزایش صادرات نفت خام و به دست آوردن بازار دست‌رفته است یا افزایش درآمدهای نفتی؟**

اگرچه اولویت ماه به دست آوردن سهم بازار بود اما این دو با هم منافاتی ندارند. درآمدهای نفتی با افزایش صادرات نفت خام کشور افزایش یافته است و صحت این موضوع را می‌توانید از بانک مرکزی و دولت سؤال کنید. اینکه سال گذشته در طی ماه وضعیت منابع مالی و نحوه تزریق منابع به طرح‌ها چگونه بود در سال ۹۵، چطور. اعتقاد دارم الان وضعیت بهتر از قبل از برجام است، چرا که بتدریج پول نفت وصول می‌شود و براساس عرف بین‌الملل پول نفت فروخته شده به خزانه بانک مرکزی واریزی می‌شود.

این پرداخت‌ها مانند قطار است. زمانی که ترمز قطار کشیده می‌شود ایستادن قطار زمان می‌برد. لذا آرام آرام این پول‌ها هم پرداخت می‌شود و تأثیر خود را در بازار نشان می‌دهد. نمونه آن را سال‌ها قبل دیده بودیم. زمانی که تحریم‌ها هاج گرفت چندین ماه طول کشید تا درآمدهای نفتی کاهش یابد و اقتصاد وارد فاز رکودی شود.

**آیا این نگرانی وجود ندارد که با جدی شدن تحریم‌های امریکا پول ایران در بانک‌های خارجی مجدداً بلوکه شود؟**

بانک‌هایی که الان با ما کار می‌کنند این موضوع را در مناسبات خود قرار داده‌اند. یعنی ما اکنون با بانک‌هایی کار می‌کنیم که تحریم امریکا تأثیری روی روابطشان با ایران ندارد. بنابراین نگرانی از این بابت وجود ندارد. اما زمانی که تحریم شدیم این نگرانی وجود داشت. چرا که با بانک‌هایی کار می‌کردیم که در امریکا سرمایه‌گذاری می‌کردند. الان هم با آنها کار می‌کنیم که معتبر هستند اما ریسک کمتری دارند.

**آیا سرمایه‌گذاران خارجی که قرار است وارد صنعت نفت ایران شوند نیز بانه‌ها را با ما کار خواهند کرد؟**

خیر. به این سرمایه‌گذاران توصیه شده که باید با بانک‌های درجه یک و حرفه‌ای کار شود اما می‌توانند با این بانک‌ها نیز نقل و انتقالات پول را انجام دهند.

**یک سال از برجام می‌گذرد و هیأت‌های خارجی کمتری برای مذاکره به ایران می‌آیند. آیا فکر نمی‌کنید که از شدت علاقه‌مندی سرمایه‌گذاران خارجی کاسته شده است؟**

خیر، الان وضعیت به گونه‌ای است که گروه‌های دیگری که کم آورده‌ایم، هیأت‌های خارجی و سرمایه‌گذاران نفتی زیادی در فاز اول برای شناختن به ایران آمده بودند. برخی اصلاً در

سال اخیر به ایران سفر نکرده بودند و می‌خواستند ببینند و علاقه‌مندی دولتمردان ایرانی را ببینند. به هر روز در مرحله دوم آنها می‌تواند مذاکرات جدی‌تر بودند برای امضای تفاهات‌نامه (MOU) به ایران آمدند و نیت و قصدشان را نشان دادند. بعد از آن ما باید اطلاعات فنی طرح‌ها را به آنها می‌دادیم و اطلاعات فنی پیشنهادی آنها را دریافت می‌کردیم که این کار انجام شده و تعداد زیادی سرمایه‌گذار مشخص نتایج مطالعاتشان را به ما اعلام کرده‌اند. بنابراین الان از صرافت سرمایه‌گذاران خارجی کاسته نشده اما آنها می‌توانند که قصدشان سرمایه‌گذاری واقعی است. شرکت‌هایی که ما با تفاهات‌نامه امضا کرده‌اند می‌خواهند ادامه دهند و تا این لحظه هیچ‌کدام نگفته‌اند که نظرشان نسبت به سرمایه‌گذاری در ایران تغییر کرده است. برخی از آنها در حال تهیه پروپوزال فنی هستند یا آن را فرستاده‌اند. ما نیز در حال بررسی فنی این پیشنهادها هستیم. برخی از این مرحله نیز عبور کرده‌اند و پروپوزال‌شان را پذیرفته‌ایم، چرا که معلوم است روش توسعه میدان را فهمیده‌اند و ما هم این نوع کار را قبول داریم.

**اگر دوباره تحریم‌ها برگردد این مذاکرات چه خواهد شد؟**

در برجام خوشبختانه بخشی گنجانده شده که اگر تحریم‌ها باز گردد قرار دادهایی که قبلاً از اعمال مجدد تحریم‌ها بسته شده است می‌توانند مراحل را طی کنند و مشمول تحریم نمی‌شوند. اما اگر در مرحله مذاکره باشیم روابط تحت تأثیر تحریم‌ها قرار خواهد گرفت. البته فکری نمی‌کنم که بازگشت تحریم‌ها به این آسانی رخ نخواهد داد و شرکت‌های بین‌المللی نیز همین اعتقاد را دارند.

**بخشی از مذاکرات و تفاهات‌نامه‌ها به شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب مربوط می‌شود. چرا این بخش را از مذاکرات شرکت ملی نفت جدا کردید؟**

به چند دلیل. برای تسریع روند مذاکرات و همین‌طور دخیل کردن شرکت‌های مربوطه در جذب سرمایه خارجی ما بخشی از مذاکرات